

بسم خدا

دوغدو

پدر بزرگ و غول های عاشق

هوپا
Hoopa

صفر

دوغدو از روی آتش می‌پرد؛ یک بار، دو بار، سه بار. عزیز می‌خواند: «زردی من از تو، سرخی تو از من.»

دوغدو زیر لب تکرار می‌کند: «زردی من از تو، سرخی تو از من.»

آتش زبانه می‌کشد. شعله‌های سرخ در هوا می‌رقصند و تا صورت دوغدو بالا می‌آیند. لپ‌های دوغدو گل می‌اندازد. عزیز می‌گوید: «پیر و تمام غصه‌هایت را در آتش بریز.» دوغدو هر بار که می‌پرد، حس می‌کند چیزی از او کنده می‌شود، در آتش می‌سوزد، رنگ عوض می‌کند و دوباره به او برمی‌گردد. با هر پریدن، گلوله‌ای در گلویش بالاوپایین